

قصه های نهج البلاغه

ابرها منتظر نمی مانند

اعتبار سند: اولویت ۱

تطبیق نقل با سند: اولویت ۲

[۴۱۹] ۴۱۱

لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ وَ بَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَى مَنْ سَدَّدَكَ

: تیزی زبانت را علیه کسی که سخن به تو آموخت، و بلاغت گفتارت را بر ضد کسی که گفتارت را به صواب آورد به کار مگیر.

نهج البلاغه (للصباحي صالح) / ۴۷۰ / ۱۲ - ص : ۴۷۰

وَقَالَ عَ أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ

ناتوانترین مردم کسی است که از دوست یابی ناتوان باشد، و ناتوانتر از او کسی است که از دست بدهد دوستی از یاران را که بدست آورده (زیرا دوست یافتن آسانتر است از نگاه داشتن او).

نهج البلاغه (للصباحي صالح)، ص: ۱۱۵

۸۴ و من خطبة له ع في ذكر عمرو بن العاص

شَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ

نهج البلاغه (للصبحی صالح) / ۴۷۱ / ۲۱ -

۴۴۵۲ وَ الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ

فرصت به مانند ابر گذرا می‌گذرد، پس فرصت‌های نیک را غنیمت دانید.

۴۷ و من وصیة له ع للحسن و الحسين ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله

وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةٌ بَيْنَكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ

خدا را خدا را در رابطه با همسایگان که مورد سفارش پیامبر شمايند، پيوسته به آنان سفارش داشت تا جایی که گمان بردیم ميراث برشان خواهد ساخت!

نهج البلاغه (للصبحی صالح) / ۳۹۷ / ۳۱ و من [وصيته] وصیة له ع للحسن بن علی ع کتبتها إليه بحاضرين

۳۵۸۵ عند انصرافه من صفین ص : ۳۹۱

وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ

و آنچه را دوست نداری درباره تو بگویند تو هم درباره دیگران مگوی.

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

نهج البلاغة (للصباحي صالح) / ۴۴۴ / ۵۳ / ۴۰۰۰ و من کتاب له ع کتبه للأشتر النخعی [رحمه الله] لما ولاه على مصر و أعمالها حين اضطرب أمر أميرها محمد بن أبي بكر، و هو أطول عهد كتبه و أجمعه للمحاسن.

إِذَا اسْتَوْضَحْتَ فَضَعْ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقِعْ كُلَّ [عَمَلٍ] أَمْرٍ مَوْقِعَهُ

هر چیزی را در جای خودش بگذار، و هر کاری را به موقع خودش انجام ده.

نهج البلاغة (للصباحي صالح)، ص: ۴۷۹

[۶۰] ۶۲

۴۵۰۵ و قَالَ عِذَا حُيِّتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَيَّ بِأَحْسَنِ مِنْهَا

نهج البلاغة (للصباحي صالح) / ۴۰۴ / وصايا شتى ص : ۴۰۲

مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَالْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى

چه زشت است تواضع به وقت احتیاج، و ستم در زمان توانگری!

نهج البلاغة (للصباحي صالح)، ص: ۳۹۳

وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ

قطعا دل جوان همانند زمین خالی است، هر بذری در آن ریخته شود می پذیرد.

وَقَالَ عِ اعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ ٤٤٣٦ وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ ٤٤٣٧ وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ ٤٤٣٨ وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرَمٍ

: ۱- برای (آفرینش) این انسان به شگفت آئید که با پیهی (چشم) می بیند، و با گوشتی (زبان) سخن می گوید،
و با استخوانی (گوش) می شنود، و از شکافی (بینی) نفس می کشد!!